

نوع مقاله: ترویجی

بررسی احکام حکومتی آخوند خراسانی

ghaderi1@chmail.ir

Mehrdad.divsalar1364@gmail.com

کچ سیدرضی قادری / دکتری فلسفه اخلاق دانشگاه باقرالعلوم

مهرداد دیوسالار / دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱

چکیده

نظام سیاسی و حکومت یکی از بنیادی‌ترین و پرمنافشه‌ترین مباحث اندیشه سیاسی تاریخ اسلام است و عالمان و فقیهان، به‌ویژه عالمان شیعه برای حفظ اسلام و صیانت از مسلمین و جوامع اسلامی آرای گوناگونی را در این باب ارائه داده‌اند. آخوند خراسانی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین رهبران نهضت مشروطه و هدایت‌گر جنبش بیداری اسلامی از این حیث از جایگاه خاصی در جهان اسلام برخوردار است. ایشان با صدور احکام حکومتی متعددی در ساحت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و قضایی به حمایت و هدایت مردم و جامعه پرداخت. صدور این احکام براساس نیابت و ولایتی است که مرحوم آخوند در برخی از احکام خود بدان اشاره فرموده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با روش تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای به بررسی مهم‌ترین احکام حکومتی آخوند خراسانی در حمایت از استقلال و اسلامیت آن، از جمله حکم جهاد علیه متجاوزان روسی و انگلیسی، سرنگونی محمدعلی شاه، تحریم خرید کالای خارجی، احکام حکومتی در باب مشروطیت و موارد دیگر پردازد.

کلیدواژه‌ها: آخوند خراسانی، حکم حکومتی، ولایت فقیه، ایران، اسلام.

مقدمه

سیاسی وی، از جمله احکام حکومتی، ضروری به نظر می‌رسد. بدون تردید این آراء و نظریات، استمرار اندیشه‌ها و نیز برآوردهایی است که این مجتهد جامع‌الشرایط استنباط کرده است. همان‌طور که برخی فقیهان شیعه فرموده‌اند: کارآمدی و اثربخشی فقه به این نیست که توجه آن فقط به مسائل اخروی باشد؛ بلکه ترقی و سعادت دنیای آدمیان را نیز مدنظر دارد (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۴۵).

آخوند خراسانی از فقیهان نوگرای اسلامی است که نه تنها در عرصه فقه و اصول، بلکه در عرصه سیاست و عمل نیز از جایگاه خاصی در جهان اسلام و به‌طور خاص در جوامع شیعی برخوردار است. لذا آراء فقهی و سیاسی *آخوند خراسانی* با نگرش‌های گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله می‌توان به مقالات «*آخوند خراسانی، فقه و امر سیاسی*» (میراحمدی ۱۳۹۲)؛ «*آخوند خراسانی؛ طلایه‌دار تقریب و اتحاد در عره عمل*» (شفایی، ۱۳۹۳) اشاره کرد. مقالات ذکر شده به بررسی دیدگاه فقه سیاسی *آخوند خراسانی* پرداخته‌اند. همچنین آثار دیگری مانند «ولایت فقیه در اندیشه سیاسی *آخوند خراسانی*» (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۰) و «ولی فقیه مشروطه؛ *آخوند خراسانی* (اعمال و ولایت فقیه و اعتقاد به حق ویژه حکومت برای فقهها)» (احمدی‌خواه، ۱۳۹۵) تنها به یکی از دیدگاه‌های فقهی - سیاسی وی اشاره داشتند.

آثار دیگری نیز وجود دارند که تنها درباره آرای *آخوند خراسانی* نوشته نشده‌اند؛ اما بنا بر ضرورت بحث به آراء ایشان اشاره داشته‌اند. برای نمونه می‌توان کتاب‌های *مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه* (آبادیان، ۱۳۷۴)؛ *علما و انقلاب مشروطیت ایران* (آجدانی، ۱۳۹۰)؛ *جریان‌های فکری مشروطیت* (ستایش، ۱۳۸۶) و مقاله «حیات علمی و فرهنگی و اجتماعی *آخوند خراسانی*» (رضادوست، ۱۳۹۷) اشاره نمود. مؤلفان این آثار به اندیشه‌های فقهی - سیاسی *آخوند خراسانی* توجه کافی نداشتند و با توجه به رویکرد روایی و فقهی، بسیار کم به نگارش کتب و مقالات پرداختند.

از آنجا که در زمانه *آخوند خراسانی* جریانات اقتصادی و سیاسی ایران با مسائل اسلام و حفظ کیان تشیع و دین‌گر خورده بود و با توجه به زمینه‌ای که استبداد داخلی و استعمار بیگانه به وجود آورده بود، ایشان با این نگاه وارد جریانات سیاسی شد تا بتواند نقش‌آفرینی کرده و ادای وظیفه کند. بر این اساس در پژوهش حاضر به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که مهم‌ترین احکام حکومتی صادره از *آخوند خراسانی* در حمایت از استقلال و اسلامیت آن و بهره‌گیری ایشان از موقعیت

فقه سیاسی به اصول تفکر سیاسی، یعنی اصولی که در تفکر و کار سیاسی اسلام قابل حذف و تردید نیست و بدون رعایت آن اصول، تفکر سیاسی، تفکری منحرف و کار سیاسی، کاری غیراسلامی خواهد بود، مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، فقه سیاسی بر آن است تا به تمامی سؤال‌های سیاسی عصر و زمان پاسخ دهد. نظام سیاسی و حکومت که از رحلت پیامبر اکرم ص تا به امروز به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین و پرمنافشه‌ترین مباحث اندیشه سیاسی اسلام همواره موردنظر عالمان و فقیهان بوده است، از مواردی است که فقه سیاسی بدان می‌پردازد. ممکن است برخی علمای شیعه، فقه را عهده‌دار تبیین وظیفه مکلفان دانسته‌اند و اشاره‌ای به اثربخشی و کارآمدی آن نسبت به دنیا یا آخرت نکرده‌اند (عاملی، ۱۳۷۴، ص ۲۸)، لیکن همان‌طور که امام خمینی ره فرموده است: فقه عهده‌دار واقعی و کامل انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی آن است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۸۹). هرچند در طول تاریخ فقه‌های شیعه غالباً از جنبه حکومتی و اداره جامعه در انزوا بوده‌اند، لیکن باید دانست که فقه شیعه پویا و کارآمد بوده و امتداد اجتماعی داشته است.

امام راحل در بیان دیگری می‌فرماید: اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار نکرده است (همان، ص ۴۰۲-۴۰۳).

از بزرگ‌ترین علمای فقه سیاسی امامیه و به‌عنوان یکی از بلندپایه‌ترین حامیان مشروطیت در ایران در میان عالمان دین و مراجع تقلید، می‌توان به *آیت‌الله ملامحمدکاظم خراسانی* (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق) مشهور به «*آخوند*»، «*آخوند خراسانی*» و «صاحب کفایه» اشاره کرد. *آخوند خراسانی* بر مبنای اندیشه‌های فقهی خود در مسائل سیاسی به‌طور کامل ورود کرده و در حوزه سیاست صاحب آراء بدیعی است که با اندیشه فقیهان قبل از خود تفاوت جدی دارد. هرچند وی دارای نوآوری‌هایی در نظریات و انشاء احکام شده؛ اما به دلیل عدم تدوین رساله مستقل در حوزه سیاست و پراکندگی آراء وی در میان آثار فقهی، اصولی و احکام سیاسی و نیز ناکامی عملی نهضت مشروطه و نومیدی مراجع و فقها از آن (کدیور، ۱۳۸۷، ص ۸۷)، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، تحقیق در آراء

ادبیات سیاسی برگرفته از مفهوم حفظ کیان و بیضه اسلام در اندیشه فقهی است. یکی از استدلال‌های جدی مرحوم آخوند و شاگرد ایشان شیخ اسماعیل محلاتی، تأکید بر همین مفهوم است (حائری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴۴). این استدلال در فقه شیعه سابقه دارد و همه فقها در باب جهاد از قلمرو جغرافیایی تحت حکومت اسلام و با سرزمین‌هایی که اکثریت مردم آن مسلمان باشند را به بیضه اسلام تعبیر کرده‌اند.

شیخ طوسی می‌فرماید: در صورتی که امام و یا نائب خاص امام نباشد، جهاد واجب نیست؛ بلکه انجام آن نارواست؛ مگر آنکه دشمنان بر بیضه اسلام هجوم آورند یا بر عده‌ای از مسلمانان هجوم کنند که در این صورت دفاع واجب است (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۱).

امام خمینی^ع در کتاب فقه فتوایی خود در بحث دفاع از کیان اسلام و جامعه اسلامی ده مسئله را مطرح می‌کند که مستفاد از همین اصل حفظ بیضه اسلام است (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۸۵-۴۸۶).

آخوند خراسانی با پیوند اصل حفظ کیان و بیضه اسلام و حفظ استقلال سیاسی ایران به‌عنوان یکی از کشورهای مهم مسلمان، دفاع از استقلال سیاسی ایران را وظیفه خود می‌دانست. ایشان در اندرزننامه خود به محمدعلی شاه می‌نویسد: «بیرهیزید و بسیار بیرهیزید از اینکه بیگانگان در کار مملکت دخالت کنند و مراقبت کنید و بسیار مراقبت کنید تا فتنه‌سازی‌های آنان را از میان بردارید؛ زیرا سرمنشأ فسادها و بلاها از آنها ناشی می‌شود» (کفایی، ۱۳۵۹، ص ۱۸۵).

آخوند خراسانی نه تنها به عوامل تفرقه و جدایی مردم در کشور توجه می‌کرد؛ بلکه به جنبه‌های ایجابی مسئله و عوامل وحدت و حفظ استقلال نیز مدنظر داشت. ایشان یکی از عوامل مهم در استقلال حفظ آن را مذهب می‌دانست و در ضمن مکتوبی به مردم ایران می‌نویسد: «تمام شرف و سعادت شخصیه و نوعیه هر کس هرچه در نظر دارد، تماماً به حفظ استقلال مملکت متوقف است و این معنا جز در سایه مذهب که جامع وحید این ملت و حصن حصین مملکت و یگانه حافظ این آب و خاک است، محال می‌نماید (نجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۹۸).

۱-۲. حرمت معاملات تقویت‌کننده کافران

یکی از مباحثی که فقهای شیعه در باب معاملات مطرح کرده و بر حرمت آن ادعای اجماع کرده‌اند، معاملاتی است که به‌موجب آن کافران تقویت شده یا مسلمانان تضعیف شوند (انصاری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۲۹).

برخی مؤمنان از ایران پرسشی را محضر علمای نجف فرستاده‌اند مبنی بر اینکه امتعه و البسه و مطلق اجناسی که از جانب غیر اهل اسلام خریده می‌شود، در صورتی که مثل آن را مسلمین

زمانه و مصلحت ملزمه چه بوده است؟ برای رسیدن به این هدف، همچنین به پرسش‌های فرعی زیر پاسخ داده می‌شود:

۱. آخوند خراسانی درباره نوع حکومت اسلامی چه شیوه‌ای را پیشنهاد می‌کرد؟ ۲. موضع ایشان نسبت به استبداد داخلی و استعمار بیگانه چه بود؟ ۳. آخوند خراسانی نسبت به نهضت مشروطه چه عقیده‌ای داشت؟

۱. شیوه حکومت در زمان غیبت

یکی از مباحث مهم در تحلیل تئوری حکومت از نگاه آخوند خراسانی، نوع حکومت مورد قبول ایشان طبق مبنای فقه شیعه است. شیعیان براساس مبنای کلامی خود، حکومت را از مختصات معصوم^ع می‌دانند و حکومت غیرمعصوم را با وجود معصوم امری باطل می‌دانند. بنابراین حکومت از دیدگاه غالب شیعیان امری انتصابی از سوی خداوند است.

سخن در این است که در دوران غیبت و زمانی که دست انسان‌ها از حضور معصوم کوتاه است و زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی بر پایه فقهی عادل و جامع‌الشرایط فراهم باشد، چه باید کرد؟ شیخ انصاری اثبات ولایت استقلالی فقیه را به‌وسیله روایاتی که برخی افراد به آنها استدلال می‌کنند، دشوارتر از کندن خار می‌داند (انصاری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰-۳۴). آخوند نیز در حاشیه مکاسب، ولایت فقیه را در اثبات چنین مطالبی جعل شرعی نمی‌داند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۹۶). لیکن سخن در این است وی دلایل نقلی و روایاتی که در این باب مطرح شده را کامل نمی‌داند. نه اینکه ولایت فقیه را از باب حاکمیت منکر باشد؛ بلکه ایشان دلایل و الزامات عقلی را در تحقق چنین مطالبی قبول دارد. لذا باید توجه داشت اگرچه ایشان از حیث نظری بر طبق دلایل نقلی جریان ولایت فقیه را کافی نمی‌دانند؛ لیکن از حیث عملی به آن تحقق بخشیده و در موارد متعددی احکام حکومتی صادر کرده است، که همه اینها نشان می‌دهد ایشان حاکمیت ولایت فقیه در عصر غیبت را عملاً پذیرفته و مبنای ایشان دلایل عقلی است (موسوی اردبیلی، ۱۳۷۰، ص ۴). مرحوم آخوند مسائل حکومتی را امری عرفی و از موضوعات خارجیه می‌دانست که زمام آن به‌دست عقلای قوم است و در موضوعات خارجیه، جعل شرعی نخواهد بود (نجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۵۲).

۱-۱. حفظ کیان اسلام

یکی از اقدامات مهم آخوند خراسانی، براساس مستندات مکتوب برجای مانده از ایشان، حفظ استقلال کشور است. مفهوم استقلال در

دارند، خصوصاً وقتی که خریداری مسلمین از اجانب سبب فقر و ضعف قوای مسلمین شود، حکم شرعی آن چیست؟ (رجبی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۶)، مراجع نجف جواب‌هایی ارسال داشتند که مضمون آنها شبیه به هم بود و جوابیه مرحوم آخوند این بود: «بیع و شراء با کفار که موجب تقویت کفار و سبب ضعف مسلمین می‌شود، جایز نیست و همچنین سایر امور معاشرت با ایشان» (همان).

آخوند خراسانی در نامه خود به محمدعلی شاه، او را به اهتمام در مصرف و ترویج کالاهاى ایران کرده و می‌نویسد: «منسوجات و کالاهاى ایرانی را ترویج کنید. هر آینه شخص شما از مصنوعات و فرآورده‌هاى مملکتى استفاده برید؛ زیرا این امر باعث می‌شود که رجال مملکت و قاطبه افراد ملت از شما متابعت کنند و چنین عملی موجب می‌شود مملکت از بند احتیاج به منسوجات و مصنوعات خارجی آزاد شود» (کفایى، ۱۳۵۹، ص ۱۸۴).

متأسفانه نشریاتی که به نگاشته‌های انحرافی پرداخته بودند به این نصایح توجه نکرده و در مسیر گمراهی و البته با شیب تندتر حرکت کردند. مرحوم آخوند همانند دیگر علمای دینی فریادهای خود را رساتر کرده و سخن از اصلاح و تعطیلی مطبوعات به میان آورده و می‌نویسد: «در تهذیب کلیه جراید و مطبوعات از مواد مخالفه با شریعت و موجبات نفرت و صرف قلوب هم، لازم است اولیای دولت و ملت مزید مراقبت مبذول و این اعظم ابواب فساد و افساد را کاملاً مسدود فرمایند» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۵۹۸).

مرحوم آخوند قبلاً نامه‌ای به مظفرالدین شاه در بهره بردن از البسه ایرانی توصیه کرده بود و در آن از لباس‌های خارجی به‌عنوان «البسه ذلت» و از لباس‌های ساخت وطنی به «البسه عزت اسلامی» یاد کرده است (همان، ص ۱۷۶).

در نهایت این فقیه جامع‌الشرایط به صدور حکم حکومتی پرداخته و نسبت به دو نشریه، حکم به تعطیلی می‌دهد؛ یکی نشریه «ایران نو» که آموزه‌های اسلام را خرافاتی و پر از اوهام دانسته بود و دیگری نشریه «صحبت» که تشویق به بی‌حجابی کرده بود. وی در این حکم می‌نویسد: «بدیهی است ضرر این‌گونه دشمنان دوست‌نمایی که به‌واسطه کمال بی‌دینی، یا به تحریک اعادی، به موجب صرف قلوب همت گماشته‌اند؛ از اداره استبدادیه سابق به مراتب اعظم و دفع‌شان اهم است؛ اندک تسامح در این باب چون خیانتی است عظیم؛ لذا هیچ مترقب نخواهد بود» (همان، ج ۳، ص ۶۰۱).

بدون شک این حکم آخوند خراسانی را باید حکم حکومتی دانست که براساس مصلحت و مقتضای آن زمان صادر شده بود تا زمینه‌های تضعیف ایران و تقویت دشمنان برطرف شود.

۱-۳. حکم تعطیلی مطبوعات گمراه‌کننده

عالمان دینی و فقهای گرانقدر برای تعلیم و تربیت مردم و آگاهی دادن آنها در جهت رشد و کمال، اهمیت فراوان قائل‌اند. در این راستا مطبوعات می‌توانند نقش خاصی را ایفا کنند. لذا عالمان همیشه از آزادی مطبوعات حمایت کردند؛ ولی بر این باور بودند که نباید از این آزادی و نیز توانایی در جهت‌دهی افکار جامعه سوءاستفاده کرد. از آنجاکه انقلاب مشروطه اولین تجربه ملی مردم ایران در رها شدن از قیود حاکمیت استبدادی بود؛ برخی از مطبوعات با انتشار گفته‌های انحرافی و مخالفت با احکام شریعت، موجب انحطاط فرهنگی و اخلاقی در جامعه می‌شدند و از این آزادی سوءاستفاده می‌کردند.

۱-۴. حکم به تشکیل قشون و تعلیم امور نظامی

لذا عالمان دینی نمی‌توانستند نظاره‌گر وضع موجود باشند و اهانت به دین و مقدسات دینی را از یک سو و تضعیف باورهای دینی و ایمانی مردم را از سوی دیگر به تماشا بنشینند. آخوند خراسانی نیز یکی از همین عالمان سترگی است که بر جریان مطبوعات در کشور دقت داشته است. وی ابتدا به اندرزهای کلی و توصیه به نظارت بر

از اوایل قرن سیزدهم، جهان اسلام مواجه با ذلت و رکود عجیبی شد. اختلافات درونی کشورهای اسلامی، جنگ‌های شاهان صفوی با عثمانی، رشد و توسعه سریع غرب، سلطه استبدادی شاهان حکام در کشورهای اسلامی، جنگ‌های داخلی، توسعه افکار انحرافی مثل ظاهرگرایی، اخباری‌گری، تمسک به خرافات، برداشت‌های بی‌پایه از معارف اسلام، بحران‌های مالی و اقتصادی اوضاع بسیار شکننده و غریبی را در کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران به وجود آورد. خصوصاً تهدیدات نظامی و استعمارگران روس از شمال و انگلیس از جنوب موجب شد که مردم و جامعه ایرانی در سختی و نگرانی به سر ببرند. وقتی در چنین اوضاعی جریان مشروطیت مطرح شد و با اقبال فراوانی روبه‌رو می‌شود، آنچه برای آخوند

اینکه *آخوند خراسانی* تجویز پیوستن به نهضت مشروطیت و مخالفت با حکومت وقت را مطرح می‌کند، فتوا نیست؛ بلکه حکم حکومتی است که برای مردم ایران صادر شده بود.

وقتی جریان انقلاب مشروطیت اوج می‌گیرد و به سمت استقرار در کشور حرکت می‌کند؛ مرحوم *آخوند* در نامه‌ای از علما و مردم خراسان می‌خواهد موقعیت و مصلحت و اوضاع کشور ایران را درک کرده و غفلت را کنار بگذارند و به یاری اسلام و مسلمین در ایران برخیزند و به احکام صادره در باب مشروطیت جامه عمل بپوشانند. مرحوم *آخوند* در این نامه می‌نویسد: «امروز هیچ نقطه ایران مانند خراسان ساکت نیست در همه جا ملت ایران بحمدالله تعالی با کمال قدرت بر جیش شیطانی غلبه و بیرق کفر و استبداد را سرنگون و لوای مشروطیت را بلند کرده‌اند».

مرحوم *آخوند* صریحاً می‌نویسد: «اگر در صدور این احکام واجب‌الاطاعة از داعیان تردید دارید، پس چرا تحقیق نمی‌کنید (همان، ص ۱۰۱-۱۰۴).

وقتی اخبار اقدامات محمدعلی شاه بر ضد مشروطیت به علمای نجف از جمله مرحوم *آخوند* رسید، آن علمای بزرگوار از ارتش و کارگزاران حکومتی خواستند با شاه و دیگر افرادی که با مشروطیت مخالفت می‌کنند همکاری نکنند و در اعلامیه خود می‌نویسد: همگی بدانند که همراهی با مخالفین اساس مشروطیت و ادنی تعرض به مسلمانان حامی این اساس قویم، محاربه با امام عصر^ع است (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۸۳۷).

بعد از اینکه محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست و رژیم استبدادی خود را برقرار کرد؛ مرحوم *آخوند* به همراه برخی از بزرگان نجف، اعلامیه‌هایی را در جهت سرنگونی محمدعلی شاه برای مردم ایران صادر کردند. مرحوم *آخوند* در یکی از این احکام حکومتی خود می‌نویسد: «به عموم ملت ایران حکم را اعلام می‌داریم؛ الیوم همت در دفع این سفاک جبار و دفاع از نفوس و اعراض اموال مسلمین از اهم واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرمات، و بذل جهد و سعی بر استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحانه فدا، و سر مویی مخالفت و مسامحه، به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت است» (کسروی، ۱۳۶۹، ص ۷۳۰).

ضمناً مرحوم *آخوند* در نامه دیگری صریحاً می‌فرماید: «این احکام بر همگان در ایران واجب‌الامتثال است و هر کس تخلف کند، از حکم صاحب شریعت امام عصر حضرت حجت الله^ع ارواحانه فداه تخلف کرده است» (همان، ص ۱۰۹).

اینکه مرحوم *آخوند* سرپیچی و تخلف از این حکم را در حکم

خراسانی و برخی علما، قابل توجه می‌نماید تشکیل قشون ملی است. مرحوم *آخوند* و دیگر علماء خطاب به ایلات و عشایر اعلام کردند که به دلیل ضعف دولت‌های اسلامی و قدرت اجانب، دیری نخواهد پایید که ایران هم مثل اندلس شود و تشکیل قشون را شرعاً و عقلاً لازم دانستند. ایشان از عشایر خواستند به تعلیم و تعلم قواعد حرب به طرز جدید همت کنند و آن را فریضة ذمه خود بدانند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱، ص ۹۰).

آخوند خراسانی در یک حکم حکومتی می‌نویسد: «بر عموم جوانان مسلمین و ابنای ملت اسلامیة واجب است در مشق نظامی و تعلیم قواعد حربیه جدیده که معمول این زمان است، هیچ‌گونه مسامحه و مساهله نکنند و کمال اقدام و اهتمام در این باب داشته باشند». مرحوم *آخوند* در همین حکم بحث سربازی را مطرح کرده و اضافه می‌کند که باید به صورت قانونی در بیاید که ملت بر طبق آن رفتار کند (همان، ص ۹۱-۹۲).

این حکم از احکام کم‌نظیری است که توسط فقیهی جامع‌الشرایط داده شده است؛ به‌خاطر اینکه سابقه نداشت یک مرجع دینی انجام سربازی را وظیفه‌ای همگانی بداند و در زمان صلح که هنوز جنگی صورت نگرفته، آن را واجب تلقی کند. ممکن است گفته شود تشکیل قشون یک نحوه تمهید مقدماتی است تا جلوگیری از تسلط و هجوم کفار بر کشور اسلامی شود؛ لکن باید گفت این حکم و اندیشه بر تشکیل قشون قدرتمند برای صیانت از استقلال و تمامیت ارضی کشور بسیار شایان توجه است.

۲. احکام متعدد در نهضت مشروطیت

هنگامی که بحث مشروطیت و حرکت انقلابی آن مطرح شده بود و این حرکت به جریان افتاده بود، برخی از علما و مردم متدین ایران در نامه‌ای با تشریح اوضاع و شرایط کشور برای پیوستن به نهضت مشروطیت از مراجع نجف پرسیده‌اند: آیا جایز است که دولت را از استبداد، مانع شده و وادارند که امورات سیاسی و مملکتی را با تصویب و تصدیق علما و عقلای مملکت اداره کند و آنچه علما و عقلا صلاح بدانند معمول و مجری دارند یا خیر؟ از این گذشته جواز یا حکم و جوب دارد؟ مرحوم *آخوند* در پاسخ می‌نویسد: «معلوم است اهتمام در تقلیل ظلم و سد ابواب تعدیات مستبدانه و نا امنی‌های طرق و شوارع و ترتیبات صحیحه در آسایش عموم مسلمین و آبادانی مملکت و تهیه و استعداد قطع طمع اعادی و غیر ذلک من المصالح‌العامة از اهم تکالیف عامه مسلمین است» (حائری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۶۱-۱۶۲).

مخالفت با امام زمان ع دانسته و اطاعت از آن را بر همگان لازم دانسته است؛ اشاره به مقبوله عمر بن حنظله (کلینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۰، ص ۶۹) و مبنای صدور احکام حکومتی و لزوم پیروی همگان از آن دارد. پس از سقوط و عزل محمدعلی شاه از سلطنت، مرحوم آخوند و برخی از علمای نجف از مردم ایران می‌خواهند که با حکومت جدید همکاری کرده و مالیات را پرداخت و در حفظ نظم کوشا باشند (کسروی، ۱۳۶۹، ص ۷۳۱).

۲-۱. صدور حکم جهاد

کشور اسلامی ایران سال‌های ۱۳۲۷-۲۸ق از ناحیه انگلیس و روس مورد طمع قرار گرفت. انگلیس از طرف جنوب، و روس از ناحیه شمال به سمت ایران لشگرکشی کردند. مرحوم آخوند در ابتدا نامه‌ای به امپراتور روسیه و رئیس مجلس دوما روسیه می‌نویسد و با اعتراض نسبت به این اقدام، خواهان مراجعت قوای نظامی روس از ایران می‌شود (ترکمان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۶۹). وی نامه اعتراض آمیزی نیز به دولت انگلیس ارسال کرد (همان، ص ۱۷۱). در مرحله بعدی، نامه‌ای خطاب به جمیع دول معظمه و ملل متمدنه و پارلمان‌های عدالت‌خواه و مجلس صلح لاهه و کشورهای دیگر ارسال می‌کند و در آن از خویش‌داری مردم ایران در برابر متجاوزین به خاطر تأکیدات مراجع دینی و سوءاستفاده دولت‌های روس و انگلیس از این مسلک صلح‌خواهانه و ورود قشون آنها به بهانه‌های واهی به خاک ایران، متذکر می‌شود که جلوی این تجاوزات گرفته شود (نجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۱۲-۱۴).

مرحوم آخوند در مرحله سوم برای دفاع از کشور اسلامی ایران و صیانت از تمامیت ارضی آن نامه‌ای به سران برخی کشورهای اسلامی نوشته و خواستار اتحاد آنها در حمایت همه‌جانبه و بیرون راندن متجاوزین از ایران شد (همان).

مرحوم آخوند در مرحله چهارم در نامه‌ای به کشورهای دیگر مانند فرانسه و آلمان و حتی انگلیس و روس، تهدید می‌کند که در صورت ادامه این وضع، حکم به جهاد خواهد داد. در نامه‌اش آمده است: «از دولت‌های متمدن دعوت می‌شود تا دولت روس را از اقدامات علیه مردم ایران منع کنند و سکوت این دولت‌ها به منزله شریک بودن آنها در یک خون‌ریزی و مقاتله عظیم است» (حائری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۵).

وی در نامه‌اش به مردم فرانسه می‌نویسد: «از ملت نجیب فرانسه خواهش داریم در صفحات تاریخ خود ایران را هم برای استحصال حریت معاونت کنند» (همان).

مرحوم آخوند براساس اندیشه‌های فقهی و دینی خود، با مخاطب قرار دادن دولت‌های بیگانه و مردم و افکار عمومی کشورهای متمدن سعی داشت از طریق تحریک آنها و نیز مسئول دانستن آنها در خون‌هایی که ممکن است ریخته شود، اهرم فشاری قوی علیه روس و انگلیس استفاده کند. البته مرحوم آخوند به نوشتن نامه‌های اعتراضی به دولت‌های خارجی اکتفا نمی‌کند و مسئولان کشور را هم به ابراز قدرت و بهره گرفتن از ظرفیت‌های انسانی و غیرانسانی کشور برای دفاع فرا می‌خواند. هنگامی که از طرف مسئولان دولتی مسامحه می‌بیند، فریادهای سرزنش‌گونه خود را بلند کرده و در رمضان ۱۳۲۸ق در نامه‌ای به مجلس شورای ملی، از مسامحه مجلس و عمل نکردن آنها به وعده خود، مبنی بر اخراج قشون روس از ایران، شدیداً انتقاد می‌کند و می‌نویسد: «البته عموم علماء و قاطبه مسلمین از مقتضیات اسلامیت خود رفع ید نخواهند کرد و عجالتاً مجاهده اقتصادی ترک امتعه روسیه بالکلیه باید سریعاً انجام شود (شریف کاشانی، ۱۳۶۲، ص ۵۸۱-۵۸۳).

لازم به ذکر است در تمامی این مراحل، عالمان بزرگوار در نجف و ایران با آخوند خراسانی همراهی کرده و در برخی از این اعلامیه‌ها شریک امضاء شده‌اند و حتی در مرحله آخر که به حکم جهاد انجامید، تصمیم به حرکت جمعی به سمت ایران گرفتند (همان).

مرحوم آخوند که همه اقدامات مسالمت‌آمیز برای پایان دادن به اشغالگری را بی‌نتیجه دید و حتی روس‌ها قسمتی از آذربایجان را تصرف کرده و به غارت پرداختند؛ سرانجام حکم جهاد علیه متجاوزان روس را صادر کرد. در این حکم آمده است: «نفاق و اختلاف داخلی ایران صلیبیان را کامیاب کرده و آنها زمان را برای نابودی اسلام و تحقق آرزوی دیرینه‌شان مناسب دیده‌اند؛ اندک تسامح موجب ذهاب اسلام است. بر قاطبه مسلمین و صاحبان فطرت اسلامی و عرق دیانت، خصوصاً عشایر ایلات با حمیت، واجب عینی است که در مقام دفاع از بیضه اسلام و دفع حملات ظالمانه صلیبیان، اتفاق و اتحاد حقیقی کنند» (کفایی، ۱۳۵۹، ص ۲۶۷).

سپس مرحوم آخوند و چند نفر از علما در اعلامیه‌ای چنین آورده‌اند: «به سبب هجومی که از هر طرف بر اسلام شده است، عالم اسلامیت در هیجان است؛ ماها به صفت ریاست مذهبی اسلامیه بر هشتاد میلیون نفوس جعفری که در ایران و هندوستان و سایر نقاط است، متفقاً وجوب هجوم دفاعی و جهادی را حکم کردیم و بر عموم مسلمین، تجزیه مسبب اراقه دماء اسلام و صیانت دین محمد ص فرض عینی است (نجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

عامه مؤمنین بدانند از این به بعد مسّ با رطوبت میرزا علی اصغر جایز نیست و اوامر و نواهی او مثل اوامر و نواهی جبت و طاغوت است (کسروی، ۱۳۶۹، ص ۳۳-۳۴).

اجرای حدود شرعی و تنفیذ حکم ارتداد و تکفیر از مصادیق روشن حکم حکومتی است که براساس نظریه فقهی مرحوم آخوند تحقیق یافت.

هنگامی که انگلیس جنوب ایران را اشغال کرده و به چپاولگری و ستم بر مردم مظلوم آن منطقه مشغول شدند، سید عبدالحسین لاری به جهاد علیه متجاوزان انگلیسی پرداخت. هرچند بزرگان دیگری در جریان جهاد علیه انگلیسی‌ها شرکت داشتند؛ لکن سید لاری از همه بیشتر فعالیت می‌کرد و تلاش‌های شبانه‌روزی او مورد توجه همگان قرار گرفت. انگلیسی‌ها نیز به ایذاء و مقابله با سید لاری برآمدند. سید عبدالحسین لاری سعی فراوانی داشت در تمام منطقه جنوب تا حوزه فارس به سامان دادن امور اجتماعی و اقتصادی و حتی قضایی مردم بپردازد و راه‌ها را امن و دست ظالمان را از آن منطقه دور کند (کفای، ۱۳۵۹، ص ۲۲۳-۲۲۴).

آخوند خراسانی پس از آنکه در جریان کارهای دینی و تلاش‌های پرثمر این بزرگ‌مرد منطقه جنوب قرار گرفت و از سوی دیگر، ظلم و ایذاء انگلیسی‌ها و ایادی آنها را در حق ایشان آگاه شد؛ در نامه‌ای به مردم و خوانین منطقه جنوب می‌نویسد: «در حمایت و همراهی حجت‌الاسلام سید عبدالحسین لاری کوتاهی نکنند و در این راستا تمامی سعی خویش را در حمایت از او به کار بندند که اجر مجاهد فی سبیل الله را دارند و مخالفت با این حکم، مخالفت با مقتضای حدیث الراد علیهم کالراد علی الله وهو فی حد الشرک است» (ترکمان، ۱۳۶۲، ص ۲۲۸).

مرحوم آخوند در این نامه به انشاء حکم حکومتی و جوب حمایت از سید لاری پرداخته و حامیان را مجاهد فی سبیل الله دانسته است و حتی مخالفت با این حکم را برابر با بیان امام (در مقبول عمرین حنظله دانسته است) که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر کسی با حکم اسلامی مخالفت کند، گویا حکم الله را مخالفت کرده است و این در حد شرک به خداست (کلینی، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۳۷۱).

۲-۳. حکم تبعید و اخراج تقی‌زاده

در مجلس شورای ملی، عده‌ای با بهره‌گیری از جراید آن دوران، به مردم تاختند و آبرو و جان مردم را مورد هتک و خطر قرار دادند. این عده از آزادی‌های به‌دست‌آمده مشروطیت، بهره‌های سوء برده و حتی به

بعد مرحوم آخوند و چهار نفر از علما، نامه‌ای به مؤتمن‌الملک رئیس مجلس شورای ملی می‌نویسد و او را از صدور حکم جهاد مطلع می‌کنند (همان، ص ۲۳).

دوازده نفر از علما بر این حکم جهاد صحنه گذاشته و در اعلامیه‌ای صریحاً نوشته‌اند: «ای مسلمانان، شما باید بدانید که جهاد بر تمامی مسلمانان واجب و از ضروریات دین شمرده می‌شود. هنگامی که دشمنان به مرزها و کشورهای اسلامی هجوم کنند، همه مردان و زنان و کودکان آنها را کشتار کرده‌اند؛ وظیفه جهاد خود را در راه خدا انجام دهید (ترکمان، ۱۳۶۲، ص ۴۸۳).

۲-۲. اجرای حدود با احکام حکومتی

از وظایف مهم فقیهان و عالمان دینی، حفظ اسلام و آموزه‌های آن و نیز اجرای شریعت است. از نگاه آنان هر قانونی و هر تفکری که با اسلام ناسازگار باشد، بی‌اعتبار است. در همین راستا اگر کسی در تضعیف معارف اسلامی و یا مشوه دادن احکام آن بکوشد، مورد اعتراض و بلکه توبیخ شدید علمای دینی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر نیز هرگاه کسانی در راه اعتلای اسلام و مسلمین تلاش کنند، مورد حمایت آن بزرگواران قرار می‌گیرند.

میرزا علی اصغر خان *تابک* از رجال سیاسی فاسد تاریخ ایران است که به مقام جانشینی و صدراعظم در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه رسید. وی چنان قدرت یافت که بعد از قتل ناصرالدین شاه و در دوره مظفرالدین شاه، در واقع حکم شاه ایران را پیدا کرده بود (کسروی، ۱۳۶۹، ص ۳۲-۳۳). وی از موقعیت و قدرت خویش در جهت سلطه کفار و اجانب و رواج فساد و فحشا و نیز دادن آزادی و بلکه ترویج بابت کوشش کرد. فعالیت‌های فسادانگیز ضدینی او به گوش مراجع و بزرگان نجف رسید. مرحوم آخوند از جمله مراجع نجف بود که حکم به تکفیر و ارتداد *تابک‌خان* کرد و نوشت: «تسلط کفار و استیلای اجانب بر مسلمانان و اعطای آزادی به فرقه ضاله بابیه و اشاعه منکرات و اباحه مسکرات در ایران به حدی رسیده که جای توقف و مجال در آن نیست و یوماً فیوماً در تزیاد است و آنچه در مقام تدبیر و رفع این عوامل سعی کردیم، اثری ندیدیم؛ و این نیز بر ما ثابت شد که تمام این مفاسد مستند به شخص اول دولت ایران، میرزا علی اصغر خان صدر اعظم است.»

در ادامه نامه آمده است: «بر حسب تکلیف شرعی و حفظ نوامیس اسلامی که بر افراد مسلمین فرض عین است، به خیانت ذاتی و کفر باطنی و ارتداد ملی او حکم کردیم؛ تا قاطبه مسلمین و

منابع.....

احمدی‌خواه، علی، ۱۳۹۵، «ولی فقیه مشروطه؛ آخوند خراسانی (اعمال ولایت فقیه و اعتقاد به حق ویژه حکومت برای فقها)»، معرفت فرهنگی / اجتماعی، سال هفتم، ش ۴، ص ۱۳۸-۱۵۶.

انصاری، مرتضی، ۱۳۷۴، کتاب المکاسب، قم، اسماعیلیان.

ایزدی، مهدی و همکاران، ۱۳۹۰، «ولایت فقیه در اندیشه سیاسی آخوند خراسانی»، دانش سیاسی، سال هفتم، ش ۱، ص ۳۵-۶۴.

آبادیان، حسین، ۱۳۷۴، مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه، تهران، نشر نی.

آجدانی، لطف‌الله، ۱۳۹۰، علما و انقلاب مشروطیت ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

آخوند خراسانی، محمدکاظم، ۱۴۰۹ق، حاشیه المکاسب، قم، بصیرتی.

ترکمان، محمد، ۱۳۶۲، مجموعه اسنادی درباره هجوم روس و انگلیس به ایران، تهران، مؤسسه رسا.

حائری، عبدالحسین، ۱۳۷۴، اسناد روحانیت و مجلس، (تاریخ مشروطیت)، تهران، کتابخانه مجلس.

حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۴، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران، امیرکبیر.

رجبی، محمدحسن، ۱۳۸۲، علمای مجاهد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

رضادوست، عصمت و اصغر منتظرالقیام، ۱۳۹۷، «حیات علمی و فرهنگی و اجتماعی آخوند خراسانی»، تاریخ‌نامه خوارزمی، سال پنجم، ش ۲۲، ص ۷۹-۶۱.

ستایش، محمود، ۱۳۸۶، جریان‌های فکری مشروطیت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

شریف کاشانی، محمدمهدی، ۱۳۶۲، واقعیات اتفاقیه در روزگار، تهران، تاریخ ایران.

شفایی، امان‌الله، ۱۳۹۳، «آخوند خراسانی؛ طلایه‌دار تقرب و اتحاد در عرصه عمل»، اندیشه تقریب، سال هفتم، ش ۲۷، ص ۱۱۱-۱۲۸.

طوسی، محمدین حسن، بی‌تا، المبسوط، تهران، مرتضوی.

عاملی، زین‌الدین حسن، ۱۳۷۴، معالم‌الدین و ملاذ‌المجتهدین، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

کاشف‌الغطاء، شیخ جعفر، ۱۳۸۱، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

کدیور، محسن، ۱۳۸۷، سیاست‌نامه خراسانی، تهران، کویر.

کسروی، احمد، ۱۳۶۹، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر.

کفایی، عبدالحسین، ۱۳۵۹، مرگی در نور، تهران، کتابفروشی زوار.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۵ق، الکافی، بیروت، دارالتعارف.

ملکزاده، مهدی، ۱۳۷۱، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، علمی و فرهنگی.

موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم، ۱۳۷۰، «ویژه نامه آخوند خراسانی»، ویژه نامه روزنامه جمهوری اسلامی.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۳، تحریر الوسیله، قم، اعتماد.

_____، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

میراحمدی، منصور، ۱۳۹۲، «آخوند خراسانی، فقه و امر سیاسی»، سیاست، دوره چهل و سوم، ش ۱، ص ۱۷۷-۱۹۶.

ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد، ۱۳۷۱، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، امیرکبیر.

نجفی قوچانی، محمدحسن، ۱۳۷۸، برگی از تاریخ معاصر احیاء الاسلام فی احوال آیه‌الملك العلام، تهران، هفت.

مخالفت با اسلام و احکام و ارزش‌های اسلامی می‌پرداختند. سیدحسن تقی‌زاده پرچمدار و نمونه این جریان غرب‌گرا و ضد ارزشی بود که از هتاک‌ها و مقابله با ارزش‌های دینی هیچ ابایی نداشت و حتی عالمان دینی را نیز به تمسخر می‌گرفت (نجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۷۵-۷۷).

آخوند خراسانی در ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ق به همراهی ملاعبده‌الله مازندرانی صراحتاً بر فساد مسلک تقی‌زاده و اخراج او از کشور پرداخته و در نامه‌ای حکم حکومتی خویش را بر ۵ محور اعلام می‌کند: «عزل تقی‌زاده از نمایندگی مجلس شورای ملی، و جوب منع او از دخالت در امور کشور و ملت، تبعید فوری از کشور، انتخاب فردی متدین، وطن‌دوست و امین و ملت‌خواه به جای وی، حکم به مفسد بودن تقی‌زاده و هرکسی که با او همراهی کند» (نجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۷۷-۷۸).

تردید نیست این حکم حکومتی براساس اندیشه فقه سیاسی مرحوم آخوند نشئت گرفته بود. وی طبق آن برای خودش ولایتی قائل بود، تا بتواند براساس آن به صدور حکم بپردازد و وظیفه خویش را در قبال اسلام و مسلمین ادا کند.

نتیجه‌گیری

آخوند خراسانی با صدور احکام حکومتی متعدد در ساحت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و قضایی به حمایت و هدایت مردم و جامعه پرداخت. وی با شناخت به اینکه جریانات اقتصادی و سیاسی ایران با مسائل اسلام و حفظ کیان تشیع و دین‌گره خورده بود و زمینه‌ای که استبداد داخلی و استعمار بیگانه به وجود آورده بود، در حمایت از استقلال و اسلامیت آن احکام حکومتی متفاوتی از جمله حکم جهاد علیه متجاوزان روسی و انگلیسی، سرنگونی محمدعلی شاه، تحریم خرید کالای خارجی، احکام حکومتی در باب مشروطیت و... صادر کرد. نوع حکومت مورد قبول ایشان طبق مبنای فقه شیعه بود. برای حفظ کیان اسلام و مسلمین و به‌ویژه ایران اسلامی در برابر تجاوز روس و انگلیس و ایادی آنها اعلام موضع کرده و حتی حکم جهاد صادر کرد. همچنین برای مبارزه با استبداد داخلی از هیچ کوششی فروگذار نکرده و حتی علیه حاکمان مستبد به صدور احکام حکومتی پرداخته تا دین اسلام را در این کشور تقویت کند.